

دکتر آيو آدويا ، دوم قرنٲيان، جلسه ۴ دوم قرنٲيان ۳، خدمت عهد جديد

آيو آدويا و تد هيلدبرانت ۲۰۲۴ ©

، اين دکتر آيو آدويا در حال تدريس در مورد رساله دوم قرنٲيان است. اين جلسه ۴، رساله دوم قرنٲيان ۳، خدمتي در عهد جديد است.

به رساله دوم قرنٲيان، فصل سوم مي‌رسيم.

ما قصد داريم به خدمت پولس نگاهي بيندازيم و او را به عنوان يک خادم عهد جديد ببينيم. بياييد با اين نکته شروع کنيم که انتقاد در جامعه امري عادي است و خادمان نيز از اين قاعده مستثني نيستند. معمولاً چيزي که مي‌بينيم اين است که مردم معيار خود را قرار مي‌دهند؛ آنها معيارهاي اندازه‌گيري خود را به عنوان ابزار ارزيابي قرار مي‌دهند. آنها مي‌خواهند خادم را بر اساس درک خود ارزيابي کنند.

سوال اين است که چگونه مي‌توان به چنين انتقاداتي پاسخ داد. اين يکي از سوالاتي است که ما در بررسي فصل سوم رساله دوم قرنٲيان به آن پاسخ خواهيم داد. و البته، سوال ديگري نيز خواهيم پرسيد. يک خادم کيست؟ معيار سنجش يک خادم چيست؟ چه چيزي واقعاً يک خادم را مي‌سازد؟ مي‌بينيد، اگر قرار است يک خادم از انحراف اجتناب کند و به خدا وفادار بماند، فقط معيارهاي خدا مهم است. مي‌بينيد، پولس با انواع انتقادات قرنٲيان روبرو شد و در مواجهه با چنين انتقاداتي، پولس هيچ شکی در مورد اينکه او کيست و خدا او را به چه کاري فراخوانده است، نداشت.

به عبارت ديگر، او درک بسيار روشني از دعوت و هدف خدا داشت، که همه ما به عنوان خادم بايد داشته باشيم. به همين دليل، او نه تنها مي‌توانست تمام انتقاداتي را که به او وارد مي‌شد تحمل کند، بلکه با قاطعيت نيز آنها را رد مي‌کرد. همانطور که پولس در اين فصل استدلال مي‌کند، او خادم عهد جديد بود.

بياييد از آيه ۱ تا آيه ۶ بخوانيم. آيا دوباره شروع به ستايش خود کرده‌ايم؟ مطمئناً، ما مانند برخي، به توصيه‌نامه‌هايي براي شما يا از شما نياز نداريم، آيا ما؟ شما خود نامه‌اي هستيد که بر قلب‌هاي ما نوشته شده تا همه آن را بشناسند و بخوانند. آيا مطمئن هستيد که شما نامه‌اي از مسيح هستيد که توسط ما تهيه شده است، نه با جوهر، بلکه با روح خدای زنده، نه بر لوح‌هاي سنگي، بلکه بر لوح‌هاي قلب‌هاي انساني؟ چنين است اعتمادی که ما از طريق مسيح به خدا داريم، و نه اينکه خودمان صلاحيت داريم که چيزي را از خودمان ادعا کنيم. صلاحيت ما از جانب خداست، که ما را صلاحيت داده است تا خادمان عهد جديد باشيم، نه از روی نامه، بلکه از روی روح، زيرا نامه مي‌کشد، اما روح زنده مي‌کند.

بياييد سريع به فصل ۲، آيه ۱۷ برگرديم، جايي که پولس جمله‌اي مي‌گويد که براي اين چيزها کافي است، و سپس خود را از بسياري از کساني که کلام خدا را مي‌فروشد، جدا مي‌کند. بنابراين، پولس اکنون به تلاش خود ادامه مي‌دهد تا نه تنها کفايت خدمت خود، بلکه برتري خدمت خود را نسبت به آن فروشندهگان، در ذهن قرنٲيان تثبيت کند. و پولس مي‌خواست نشان دهد که خدمت او مسيح محور و در اعلام آشکار آن شجاع است.

وقتي فصل ۳، آيه ۱ را مي‌خوانيد و مي‌بينيد که آيا ما شروع به تعريف و تمجيد از خودمان کرده‌ايم، اولين سوال را مي‌بينيد: آيا ما، مطمئناً، مانند ديگران، به توصيه‌نامه نياز نداريم؟ پاسخ اين سوالات منفي خواهد بود. در پشت هر يک از اين دو سوال، که هر دو انتظار پاسخ منفي را دارند، يک اتهام واقعي يا اتهام مورد انتظار عليه پولس وجود دارد.

می‌بینید، در فصل ۲، آیات ۱۴ تا ۱۶، پولس در مورد نقش حواریون به عنوان رایحه حیات صحبت کرده است، و در فصل ۲، آیه ۱۷ از مأموریت الهی خود سخن گفته است. حال، برخی ممکن است بگویند، اوه بیخیال، او حالا دارد لاف می‌زند. برخی ممکن است بگویند، پولس، دوباره، اوه، داری زیاده‌روی می‌کنی؛ تو داری در عادت بدنام خودستایی غرق می‌شوی.

و پولس می‌گوید نه، این چیزی نیست که اتفاق می‌افتد. ادعای دومی که پولس پاسخ می‌دهد توسط برخی از بسیاری از کسانی مطرح شده است که از موعظه سود می‌برند. آیا این خیلی شبیه به امروز به نظر نمی‌رسد؟ خدمت به تجارت تبدیل شده است.

پولس می‌گوید نه، من اینطور نیستم. می‌بینید، از آنجایی که اورشلیم سرچشمه مسیحیت است، هر کسی که از اورشلیم خارج می‌شود باید بتواند با توصیه‌نامه‌ها، مأموریت خود را اثبات کند. برخی از این افراد ممکن است گفته باشند، ما به قرن‌تینان آوردیم، بیایید و از اورشلیم نامه بنویسید.

پولس می‌گوید من مثل بقیه به توصیه‌نامه نیاز ندارم. بنابراین، او خودش را متمایز می‌کند، از رسالت رسولی خود دفاع می‌کند، و پولس بین خود و بسیاری فاصله می‌گذارد. می‌بینید، این یک مسئله الهیاتی با پیامدها و نتایج عملی است.

پولس می‌گوید، آنها آنجا هستند، من اینجا هستم. از نظر الهیات، از نظر اصول، ما با هم موافق نیستیم. من از طرف خدا مأمور شده‌ام؛ روح القدس از طریق خدمت من زندگی‌ها را تغییر داده است.

مانند عهد جدید، خدمت او نیز در جلال خدا سهیم است. مانند بیشتر رسالت موسی، رسالت او سنگدلی را از بین می‌برد. بنابراین، پولس در این فصل حرف‌های زیادی برای گفتن دارد.

چه کسی یک خادم واقعی است؟ چه چیزی یک فرد را برای خدمت واجد شرایط می‌کند؟ اینها سوالاتی هستند که امروزه به همان اندازه که در زمانی که پولس دوم قرن‌تینان را می‌نوشت، مهم بودند، اهمیت دارند. بنابراین، به نظر می‌رسد، یا به نظر می‌رسد، که برخی از مداخله‌گران در قرن‌تس، نداشتن توصیه‌نامه توسط پولس را زیر سوال برده‌اند. حالا متوجه می‌شوید که منظور ما از توصیه‌نامه چیست.

اگر تا به حال به دنبال شغل بوده‌اید، احتمالاً از شما خواسته شده است که نام افرادی را که کارفرمای احتمالی ممکن است برای درخواست معرفی‌نامه در مورد شما با آنها تماس بگیرد، ارائه دهید. می‌بینید معرفی‌نامه‌ها جایگاه خود را دارند. در واقع، آنها در کلیسای اولیه به عنوان وسیله‌ای برای اثبات اعتبار و اعظان سیار مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

در واقع، وقتی به رومیان فصل ۱۶، آیات ۱ و ۲ نگاه می‌کنید، در رومیان فصل ۱۶، آیات ۱ و ۲، نمونه‌ای از آنچه ما در مورد توصیه‌نامه‌ها صحبت می‌کنیم را می‌بینید. پولس در رومیان فصل ۱۶، آیات ۱ و ۲ در مورد آن صحبت می‌کند. من آن را برای شما می‌خوانم. و می‌بینید، اینجا، رومیان ۱۶، ۱ و ۲. بسیار خوب، حالا به اینجا رسیدیم.

خواهرمان فیبی، خادم کلیسای سنت کروا، را به شما می‌سپارم تا او را در خداوند، چنانکه شایسته‌ی مقدسین است، بپذیرید و در هر آنچه از شما می‌خواهد به او کمک کنید. زیرا او به بسیاری، از جمله به خود من، یاری رسانده است. و دوباره در اول قرن‌تینان، فصل ۱۶، آیات ۱۰ و ۱۱، این را می‌بینید.

پس هیچ کس او را تحقیر نکند. او را به سلامت در راهش پیش برانید تا نزد من بازگردد، زیرا من منتظر او با برادران هستم. در مورد برادرمان آپولس، من او را بسیار تشویق کردم که با دیگر برادران به دیدار شما بیاید، اما آمدن او به هیچ وجه به خواست خودش نبود.

او هر وقت فرصت داشته باشد، خواهد آمد. بنابراین، حتی خود پولس هم مجبور بود به دیگران توصیه‌نامه یا تقدیرنامه بدهد و آنها را مطلع کند. اما پولس می‌گوید، نه، من معاف هستم.

من به آن نیازی ندارم. او برای خدمتش به قرنطینه به توصیه‌نامه نیاز نداشت. این همان چیزی است که ما در آیه ۱ می‌خوانیم. آیا به نامه نیاز داریم؟ آیا خودمان را ستایش می‌کنیم؟ می‌بینید، امروزه می‌توانیم با توصیه‌نامه قیاس کنیم، که ممکن است شامل گواهی انتصاب، توصیه‌نامه یا مدرک دانشگاهی در الهیات باشد.

منظورم این است که بعضی از کلیساها شما را استخدام نمی‌کنند، مگر اینکه حداقل مدرک را داشته باشید. استادان شیطان الهیات. گاهی اوقات حتی مدرک تحصیلی، فصاحت یا کاریزمای شخصی هم مطرح نیست بسیاری از مردم فکر می‌کنند که گواهی انتصاب یا داشتن مدرک الهیات به این معنی است که شما صلاحیت لازم برای خدمت را دارید.

نه لزوماً. شما می‌توانید همه اینها را داشته باشید. همانطور که به این شکل بیان می‌کنیم، ممکن است به اندازه یک دماسنج، درجه حرارت در پشت نام خود داشته باشید.

اگر خدا شما را نخوانده باشد، فرقی نمی‌کند. اگرچه این چیزها مهم هستند، و اشتباه برداشت نکنید، این چیزها مهم هستند. یاد می‌آید کسی با جان و سلی صحبت می‌کرد.

داستان از این قرار است. آن شخص به جان و سلی گفت که خدا به تحصیلات یا یادگیری شما علاقه‌ای ندارد. جان و سلی گفت که خدا به جهل شما نیز علاقه‌ای ندارد و به آن افتخار نمی‌کند.

بنابراین، بحث این یا آن نیست. بنابراین، ما نمی‌گوییم که مطالعه‌ی الهیات مهم نیست. البته که مهم است.

جایی برای آن وجود دارد تا آموزه‌های ما بتواند درست باشد و بتوانیم کلام را به خوبی توضیح دهیم. اما ما می‌گوییم که این موضوع اصلی نیست. دعوت از جانب خدا، اعتبارنامه از جانب خدا، اولین و مهمترین چیزی است که ما در خدمت به آن نیاز داریم.

و این برای ما امروز خیلی خیلی مهم است. او می‌گوید ما به نامه‌ها نیازی نداریم. در حالی که این چیزها مهم هستند و جایگاه خودشان را دارند، باید دانست که یک تکه کاغذ به خودی خود هرگز مدرک معتبری نیست.

اعتبار واقعی خدمت، زندگی‌ها را تغییر می‌دهد. ما به رساله‌های زنده تبدیل می‌شویم. کار و مأموریت پولس با نتایج خدمتش تأیید شد.

من از نوشته‌ی آنی جانسون فلیت خوشم می‌آید، که خیلی خوب می‌گوید. می‌گوید ما تنها کتاب مقدسی هستیم که دنیای بی‌توجه آن را خواهد خواند. ما انجیل گناهکاران هستیم.

ما آیین تمسخرگران هستیم. ما آخرین پیام خداوند هستیم که در عمل و گفتار داده شده است. اگر نوشته کج باشد چه؟ اگر نوشته خون باشد چه؟ ما پیام مسیح هستیم.

و پولس می گوید، گوش کن، من از طرف خدا فراخوانده شده‌ام. خدا من را فراخوانده است. او گفته است که من به توصیه‌نامه نیاز ندارم.

می‌بینید، ظاهراً مخالفان پولس نامه‌ها را به عنوان مدرک ارائه می‌دادند. البته، وقتی رومیان فصل ۱۶، آیه ۱ را می‌خوانید، اعمال رسولان فصل ۹، آیه ۲ را می‌خوانید، خود پولس قبل از ایمان آوردنش با نامه‌ای می‌رفت. او در راه دمشق بود.

او قرار بود به دمشق برود و این را در فصل ۲۲، آیه ۵ تکرار کرد. بنابراین وقتی در مورد نامه‌های تقدیر در دوم قرنتیان فصل ۳ می‌خوانید، می‌دانید که پولس از کجا صحبت می‌کند. زیرا این چیزی است که در دوران باستان انجام شده است. و چون پولس نامه‌ای به این افراد ارائه نکرد، آنها می‌گویند، خب، بگذارید نامه‌اش را به ما نشان دهد.

پولس می‌گوید، آیا ما هم مثل دیگران به توصیه‌نامه‌ها نیاز داریم؟ او می‌گوید، نه، چون شما خودتان نامه‌های ما در انجیل هستید. منظورم این است که این یک تصویرسازی قدرتمند است. این یک جمله‌ی جسورانه است.

فراخوان ایمانداران قرن‌تس، نامه است. آنها نامه‌های مسیح بودند که با روح‌القدس و از طریق خدمت رسولان نوشته شده بودند. از طریق خدمت رسولان.

آنها توسط خدا اعتبارنامه دریافت کردند. پولس با این سخنانش به این مردم نشان می‌دهد که او واقعاً رسول بوده است. می‌بینید، این فعالیت خدا در زندگی آنها، در زندگی مردم، به طور فراموش‌نشده بر قلب خود پولس نوشته شده بود.

او نمی‌توانست فراموش کند که روح‌القدس چگونه از طریق اعلام انجیل در زندگی آنها راه رفته بود. و البته پولس در آیه ۳ روشن می‌کند که این کار الهی بر قلب و زندگی خودشان نوشته شده است. این بدان معناست که اگر قرار است نامه‌ای خوانده شود، باید خوانا باشد.

همچنین باید منطقی و منسجم باشد. در غیر این صورت، نامه بی‌معنی است. مهم‌تر از همه، یک نامه باید بیانگر افکار و شخصیت نویسنده باشد.

و شما آن را خیلی خوب می‌دانید. آیا تا به حال از کسی نامه‌ای دریافت کرده‌اید؟ وقتی نامه را می‌خوانید همیشه می‌توانید حال و هوای آن شخص را تشخیص دهید زیرا با آن شخص آشنا هستید. شما آن شخص را به خوبی می‌شناسید و وقتی جمله را می‌خوانید، می‌توانید تشخیص دهید که آیا شخص لبخند می‌زند یا اخم کرده است.

چون شما خیلی به شنیدن صدای آن شخص عادت کرده‌اید، و اتفاقاً، آیا این دقیقاً همان روشی نیست که ما باید کتاب مقدس را بخوانیم؟ شنیدن صدای خدا. شنیدن صدای خدا.

منظورم را می‌فهمی؟ برای مثال، وقتی همسران برای شما نامه می‌نویسد، شما فقط کلمات را نمی‌خوانید. شما صدای او را می‌شنوید. اگرچه کلمات را می‌خوانید، اما در واقع صدای خودتان را از طریق نامه می‌شنوید.

شما در حال خواندن هستید، اما صدا را می‌شنوید. و تقریباً می‌توانید کلمه به کلمه بگویید؛ او این طور می‌خواند. این طور می‌نویسد.

و بنابراین، پولس می‌گوید، شما نامه‌های ما هستید. یک نامه. خدمت مؤثر پولس در میان قرن‌تیان، گواهی بر اعتبار دعوت او بود.

کسانی که با این نتایج آشنا بودند، نیازی به معرفی‌نامه و توصیه‌نامه از سوی حواریون نداشتند. می‌بینید، مؤمنان امروز باید متوجه باشند که نامه مسیح بودن یک امر انتخابی نیست. آیا می‌خواهیم نامه مسیح باشیم یا نه؟ این یک امر انتخابی نیست.

ما باید درک کنیم که ما نامه‌های مسیح هستیم، نه تنها در کلیساها، بلکه در زمینه‌های مختلف اجتماعی. ما باید در هر کجا که هستیم، مانند مدارس، ادارات، محل‌های کار، که ممکن است در آنها باشیم، نامه‌های مسیح باشیم.

ما نامه‌های مسیح هستیم. بنابراین، سوال این است که ما چه نوع نامه‌ای ارائه می‌دهیم؟ اما دوباره به نکته‌ی دیگری توجه کنید. نمی‌توانید ظرافت و اهمیت این متن را نادیده بگیرید.

این یک امر جمعی است. تمام جماعت با هم فقط یک نامه را تشکیل می‌دادند. آن را در دوم قرن‌تیان بخوانید.

نگفته است که شما حروف هستید. شما نامه‌ی مسیح هستید که بر قلب‌های ما نوشته شده است. این [نامه] از نظر جهت‌گیری و از نظر تفکر، جمعی است.

چه درس مهمی برای جماعت محلی امروز. اگرچه ما به صورت شخصی، با هم، به صورت جمعی، به عنوان یک جامعه ایمانی نجات یافته‌ایم، اما زندگی مسیح را منعکس می‌کنیم. با هم.

با هم. می‌بینید، پولس نشان داده است که توصیه‌نامه‌اش بسیار برتر از توصیه‌نامه‌های منتقدانش است. نامه‌های منتقدان او توسط انسان نوشته و روی کاغذ نوشته شده‌اند.

در مورد خدمت پولس چطور؟ در مورد خدمت اصیل، آیا او خودخوانده بود؟ آیا خدمت او نتیجه رشد شخصی‌اش بود؟ پاسخ به این سؤالات منفی است. خدمت او همچنین با اعتماد تزلزل‌ناپذیرش به خدا تأیید می‌شد. این خدا بود که او را برای خدمت توانمند ساخت.

می‌بینید، اعتماد پولس در پیشگاه خدا به این ادعا که قرن‌تیان نامه‌ای نوشته‌ی مسیح هستند، از طریق مسیح حاصل شد. این ادعا حاصل یک آرزوی زاهدانه یا تخیل نبود. می‌بینید، هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که برای خدمتی که به منابع و قدرت خودش واگذار شده، کافی است.

بنابراین، دادگاه تجدیدنظر نهایی، قدرت خود خداست که در آیات ۵ و ۶ آمده است. و تنها تأییدی که برای خدمت ارزشمند است، آن چیزی است که در نظر خدا قابل قبول باشد و به مسیح وفادار باشد. اجازه دهید آنچه را که گفتم تکرار کنم. دادگاه تجدیدنظر نهایی، قدرت خود خداست که ما را قادر می‌سازد.

و البته، تنها تأییدی که برای خدمت ارزشمند است، آن است که در نظر خدا مورد قبول واقع شود و به مسیح وفادار باشد. بنابراین، وقتی در اینجا از خدمت اصیل صحبت می‌کنیم، منظورمان خدمتی از جانب روح است. خدمتی که توسط روح هدایت و رهبری می‌شود.

پولس در آیه ۶ متوجه شد که مأموریت الهی به معنای تجهیز الهی است. برای مأموریت الهی، تجهیزات او برای خدمت به عهد جدید در تجربه سفرش به دمشق به او داده شد، زمانی که به عنوان وسیله برگزیده خدا نامگذاری شد و از روح القدس پر گشت. بنابراین، خدمت به عهد جدید، خدمتی از جانب روح القدس است.

و البته، این یک خدمت فیض است. پولس قصد دارد دو ویژگی اساسی عهد عتیق و جدید را با هم مقایسه کند. می بینید، اساس عهد عتیق بین یهوه و اسرائیل اساساً یک قانون مکتوب بی جان بود.

در کتاب عهد، در خروج فصل ۲۴، آیه ۷، این را می بینید. اما اساس عهد جدید بین خدا و کلیسا، روحی پویا و فراگیر است. قانون مکتوب نامه، مرگ، حکم مرگ را اعلام کرده است. این را در رومیان فصل ۷، آیات ۹ تا ۱۱ می بینید.

اما روح القدس، زندگی را دگرگون می کند. اگرچه عهد جدید با ریختن خون مسیح تأیید شد و در جام عشای ربانی نمادین است، اما از طریق روح خدا که در ما ساکن است، عملی می شود و به ما زندگی جدیدی می بخشد. در جایی که کلام بی قدرت بود، روح القدس قدرتمند است.

روح القدس در ایجاد تقدس در زندگی و قادر ساختن ما به عنوان ایمانداران برای انجام الزامات عادلانه شریعت، قدرتمند است. منظورم این است که شما تفاوت بزرگی بین خدمت پولس و عهد عتیق می بینید. این خدا بود که او را برای خدمت توانمند ساخت.

اعتماد به نفس پولس نه از نگرش خودکفایی، بلکه از طریق مسیح ناشی می شد. پولس در حین اعلام انجیل حضور خداوند را درک می کرد. او در حین اعلام انجیل، به خوبی می دانست که این همان چیزی است که او را شایسته می سازد.

بنابراین، وقتی پولس در فصل ۲ این سؤال را پرسید که آیا برای این چیزها کافی است؟ او اکنون به تدریج به این سؤال پاسخ می دهد و قرار است در مورد جلال والای عهد جدید صحبت کند. اما در عین حال، در آیه او به طور واضح تر و کامل تر کفایتی را که خدا عطا می کند، توصیف می کند. او گفت که خدا ما را به ۶، عنوان خادم کافی آفریده است.

دوباره به این موضوع فکر کنید. در جلسه قبل، وقتی فصل ۲ را بررسی کردیم، به این واقعیت اشاره کردیم که پولس بر ایمان مؤمنان تسلط نداشت. اکنون او دوباره می گوید، خدا ما را به عنوان بندگان شایسته توانمند می سازد.

او به ما قدرت نمی دهد که بر دیگران سروری کنیم. بلکه، خدا به ما قدرت می دهد تا به او و دیگران خدمت کنیم. خدا به ما قدرت می دهد تا خادمان عهد جدید باشیم.

این واقعیت که خدا بر قلب قرنطیان نوشت، نشان می دهد که پولس و همکارانش خادمان شایسته ای برای عهد جدید بودند. بنابراین، خدمت پولس، خدمتی از روح بود، خدمتی از فیض، خدمتی مسیح محور خدمتی از آشتی، خدمتی که با صداقت مشخص می شود. بنابراین، وقتی می پرسید که یک خادم اصیل کیست، با نگاهی به دوم قرنطیان، فصل ۳، فصل ۴، شروع به پاسخ به این سؤالات می کنیم و به ادامه مطلب می رویم.

سپس، از آیه ۷، اگر خدمت مرگ که با حروف یا لوح های سنگی تراشیده شده بود، با جلال آمد، به طوری که قوم اسرائیل به دلیل جلال چهره موسی، جلالی که اکنون کنار گذاشته شده بود، نمی توانستند به چهره او

نگاه کنند، پس خدمت روح چقدر بیشتر با جلال خواهد آمد؟ زیرا اگر در خدمت محکومیت جلال بود، خدمت عادل شمردگی چقدر بیشتر در جلال است. در واقع، آنچه زمانی جلال داشت، به دلیل جلال بیشتر جلال خود را از دست داده است. زیرا اگر آنچه کنار گذاشته شد، از طریق جلال آمد، چقدر بیشتر به عنوان یک جلال دائمی در حال آمدن است.

از آن زمان، ما چنین امیدی داشته‌ایم. ما با جسارت زیادی عمل می‌کنیم، نه مانند موسی که نقابی بر چهره خود کشید تا قوم اسرائیل را از نگاه کردن به پایان جلالی که در حال کنار گذاشتن بود، باز دارد. اما ذهن آنها سخت شده بود.

در واقع، تا به امروز، وقتی آنها قرائت عهد عتیق را می‌شنوند، همان حجاب هنوز وجود دارد، زیرا تنها در مسیح کنار می‌رود. در واقع، تا به امروز، هر زمان که موسی خوانده می‌شود، حجابی بر ذهن آنها قرار می‌گیرد. اما وقتی کسی به سوی خداوند روی می‌آورد، حجاب برداشته می‌شود.

حال، خداوند روح است، و هر جا که روح خداوند باشد، آزادی وجود دارد. و همه ما که چهره‌های بی‌پوشش داریم، جلال خداوند را گویی در آینه‌ای منعکس شده می‌بینیم، از یک درجه جلال به درجه دیگر به همان تصویر تبدیل می‌شویم. زیرا این از جانب خداوند، روح، می‌آید.

تاکنون، در فصل ۳، اندیشه پولس از ایده نامه‌های توصیه‌ای که توسط روح بر قلب‌هایشان نوشته شده است، به تأمل در مورد عهد جدیدی که خدا از طریق ارمیا وعده داده است، که در آن خداوند بر قلب‌های مردم نوشته خواهد شد، پیشرفت کرده است. شما آن را در ارمیا فصل ۳۱، آیات ۳۱ تا ۳۴ می‌بینید. حال این نقل قول باعث می‌شود پولس به مقایسه عهد‌های عتیق و جدید و اقتصادهای قدیم و جدید گوش فرا دهد.

هر کدام شامل خدمتی بود که با جلال همراه بود، اما جلال عهد جدید آنقدر برتر بود که جلال عهد قدیم در مقایسه با آن ناچیز به نظر می‌رسید. معنایش همین است. مثل این است که یک شمع روشن داشته باشید، و این تمام چیزی است که دارید.

شما با نور شمع می‌بینید، اما ناگهان برق دوباره برمی‌گردد و انگار شمع دیگر آنجا نیست. نور شمع هنوز آنجاست، اما شما نور درخشان‌تری دارید. بنابراین، اینطور نیست که نور شمع هیچ نوری نباشد؛ آنجاست اما ظاهراً، اگر اکنون چیزی بهتر دارید، از این نظر، نور شمع نوعی شکوه محو شده است زیرا شما یکی بهتر از آن را دارید.

این یک مقایسه است. منظور بی‌فایده بودن نیست، بلکه منظور این است که جلال عهد جدید بسیار بهتر و برتر از جلال عهد عتیق است. بنابراین، ما نمی‌گوییم که عهد عتیق بی‌فایده است، اما به سادگی می‌گوییم در مقایسه با عهد جدید، چرا هنوز از شمع استفاده می‌کنید وقتی ۱۰۰ یا ۲۰۰ چراغ سفید دارید؟ شما می‌گویید، من به این نیازی ندارم چون چیز بهتری دارم.

اگر تا به حال با یک اجاق معمولی آشپزی می‌کردید، و کسی یک اجاق گاز یا اجاق گاز رومیزی به خانه شما می‌آورد، دیگر به آن نیازی ندارم. دقیقاً همینطور است. بنابراین، اکنون متوجه می‌شوید که پولس، این بخش از آیه ۷ تا ۱۸ بسیار بسیار مهم است و ما می‌خواهیم تا حد امکان با دقت آن را بررسی کنیم، زیرا می‌بینید که پولس اکنون نقل قول می‌کند، من به خروج فصل ۳۴ از آیات ۲۹ تا ۳۵ اشاره می‌کنم.

باید به یاد داشته باشیم که پولس در مورد نکات منتخب روایات در خروج ۳۴، ۲۹ تا ۳۵ تفسیری ارائه می‌دهد. حال، برگردیم به آیه ۷. حال، اگر خدمت لوح‌های سنگی تراشیده و حروف با جلال آمد، به طوری

که قوم اسرائیل به دلیل جلال چهره موسی نمی‌توانستند به او خیره شوند، جلالی که اکنون کنار گذاشته شده است. چقدر بیشتر خدمت روح با جلال خواهد آمد؟ زیرا اگر در خدمت محکومیت جلال بود خدمت توجیه چقدر بیشتر در جلال است.

بنابراین، در این سه آیه، شما اشاره‌ای به آنچه برای موسی اتفاق افتاد، می‌بینید. می‌بینید، وقتی موسی از کوه سینا فرود آمد، با دو لوح که ده فرمان بر روی آنها نوشته شده بود، چهره‌اش به شدت می‌درخشید. آنقدر درخشان بود که بنی‌اسرائیل نمی‌توانستند به طور ثابت به او نگاه کنند و مجبور بودند صورت خود را بپوشانند؛ ما نمی‌توانستیم به آن نگاه کنیم.

خب، پس پولس استدلال می‌کند که اگر چنین جلالی در اعطای شریعت وجود داشت، در مورد آن خدمت یا مدیریتی که مرگ را به ارمغان آورد و مردم را محکوم کرد، پس چقدر بیشتر، خدمت باشکوه روح که عدالت را به ارمغان می‌آورد، خواهد بود؟ منظوری این است که چهره موسی درخشان بود و ما نمی‌توانیم به این نگاه کنیم. و پولس می‌گوید، خب، اگر می‌توانید به آن نگاه کنید، به آنچه اکنون داریم فکر کنید. به آنچه خدا اکنون در مسیح انجام داده است فکر کنید.

چه بسیار باشکوه‌تر. آنچه که ویژگی متمایز و مثبت نظم قدیم بود، باید مشخصه اقتصاد جدید نیز باشد. اما در مقیاسی بزرگتر. نظم قدیم شکوه و جلال داشت.

نظم جدید شکوه و جلال دارد. اما نظم جدید، اقتصاد جدید، بزرگتر است. بنابراین، پولس از تصویر دو عهد استفاده می‌کند تا برتری خدمت خود را نسبت به مخالفانش نشان دهد.

او خدمت و اثربخشی دو عهد را با هم مقایسه می‌کند و مشاهده می‌کند که این عهد جدید از هر دو جهت باشکوه‌تر است. اولاً، او مشاهده می‌کند که عهد جدید از عهد قدیم در خدمتش باشکوه‌تر است. این امر از این واقعیت آشکار می‌شود که عهد قدیم گناهکاران را کشت، در حالی که عهد جدید به گناهکاران حیات می‌بخشد.

می‌بینید، شریعت می‌تواند گناه شما را به شما نشان دهد، اما راهی برای خروج از گناه شما فراهم نمی‌کند. خداوند به شما می‌گوید، این گناه است، این گناه است، این گناه است، اما نمی‌تواند فراتر از آن به شما کمک کند. اما فیض خدا که تحت عهد جدید، بر اساس مرگ و رستخیز مسیح، قرار دارد، بخشش الهی را ارائه می‌دهد.

شما نه تنها گناه را می‌بینید، بلکه راه خروج را نیز می‌بینید - راهی از تاریکی به نور و از مرگ به حیات. شریعت محکومیت و مرگ را اعلام می‌کند، اما انجیل، حیات و آشتی را ارائه می‌دهد.

سپس، همچنین با اشاره به خدمت این عهد، خدمت عهد عتیق متوقف شد، در حالی که خدمت عهد جدید ادامه دارد. در آیات ۱۲ تا ۱۸، پولس شروع به صحبت در مورد حجاب و کشف حجاب می‌کند. برای شروع به آیات ۱۲ و ۱۳ نگاه کنید.

او می‌گوید، ۱۲ و ۱۳، زیرا اگر آنچه کنار گذاشته شد، ببخشید، آیه ۱۲، از آن زمان ما چنین امیدی داریم با جسارت زیادی عمل می‌کنیم. ما با جسارت زیادی عمل می‌کنیم، نه مانند موسی که نقابی بر چهره خود گذاشت. ببینید، در ۱۲ و ۱۳، پولس نشان می‌دهد که به عنوان شرکت‌کنندگان در عهد جدید، او و دیگر رسولان و واعظان امید بسیار مطمئنی داشتند که این یک عهد دائمی و غیرقابل فسخ است، هرگز لغو نمی‌شود، و منظوری این است که هرگز از نظر شکوه و جلال از آن پیشی گرفته نمی‌شود.

این امر دلیل جسارت و اعتماد به نفس آنها در موعظه بود. آنها چیزی برای پنهان کردن نداشتند، اما دلایل زیادی برای یک شمع نترس داشتند. می‌بینید که در آیه ۱۲، این ایده گشودگی، پولس را بر آن می‌دارد تا به تفسیر خود در مورد خروج ۳۴، ۲۹ تا ۳۵ ادامه دهد.

می‌بینید، آن قسمتی که مدتی پیش به آن اشاره کردیم، حاکی از آن بود که پس از هر ملاقات بین موسی و یهوه در جلسه، هر زمان که موسی برمی‌گشت، صورت خود را می‌پوشاند. آنها از درخشش چهره او خیره می‌شدند. وقتی صحبتش با آنها تمام می‌شد، چهره خود را آشکار می‌کرد، اما هر زمان که موسی برای صحبت با خداوند به حضور او می‌رفت، نقاب را تا زمان خروج از چهره برمی‌داشت.

حال، اگرچه عهد عتیق به صراحت بیان نمی‌کند که درخشش چهره موسی به تدریج کم‌رنگ و سپس ناپدید شد، اما در عهد عتیق نمی‌خوانیم که پولس استنباط کرده باشد که دلیل پوشاندن یا پوشاندن صورت موسی نه برای جلوگیری از خیره شدن بنی‌اسرائیل از درخشندگی او بود، نه، بلکه برای جلوگیری از ادامه خیره شدن آنها تا زمانی که چهره او کاملاً درخشش جلال منعکس شده را از دست بدهد، نه. پولس در تلاش بود تا به آنها بیاموزد که نظم تازه تأسیس شده محکوم به کسوف و نابودی است. نظم تازه تأسیس محکوم به کسوف و نابودی بود.

برخی از مفسران گفته‌اند که پوشاندن صورت موسی برای جلوگیری از نگاه کردن بنی‌اسرائیل به انتهای چیزی بود که گذرا بود. برخی دیگر معتقدند که موسی می‌خواست از شرمساری شخصی ناشی از اینکه مردم متوجه شوند شکوه چهره‌اش در حال محو شدن است، اجتناب کند. من فکر نمی‌کنم هیچ یک از این دو مورد مورد توجه پولس بوده باشد.

تمام چیزی که پولس می‌گفت این بود که ما خادمان عهدی نیکوتر هستیم، و این عهد نیکو، جلالی است که با آن روبرو نمی‌شویم، محو نمی‌شود، همین. بنابراین، ما در جایی که پولس متوقف می‌شود، متوقف می‌شویم. اینکه چرا پوشش روی پوشش در این مرحله برای ما اهمیتی ندارد، اما پولس در مورد خدمتش، در مورد اینکه خدا او را به چه کسی فراخوانده است، چه می‌گوید؟ او می‌گوید که خدمتش از نظر اثربخشی باشکوه‌تر از خدمت قدیمی است.

اگرچه اسرائیل جلال خدا را در چهره موسی دید و ترسید، اما از شریعت خدا اطاعت نکرد. آنها جلال خدا را دیدند، اما ترسیدند و نسبت به حقیقت کور بودند. حتی تا به امروز، شریعتی که ناظران خود را در بند نگه می‌دارد، قادر به کنار گذاشتن حجاب از قلب‌های آنها نیست.

هنوز هم در روزگار ما افرادی هستند که می‌خواهند از طریق شریعت به سوی خدا بیایند. وقتی به آیات ۱۴ و ۱۵ نگاه می‌کنید، می‌بینید که موسی تلاشی کرد. تلاش او برای پوشاندن چهره‌اش ستودنی بود، آیات ۱۴ و ۱۵ اما ذهن آنها سخت شده بود. تا به امروز، وقتی قرائت عهد عتیق را می‌شنوند، همان حجاب هنوز، ۱۵ وجود دارد، زیرا تنها در مسیح کنار گذاشته می‌شود.

می‌بینید، تلاش موسی برای پوشاندن چهره‌اش موفقیت‌آمیز نبود. منظورم این است که بنی‌اسرائیل به جای اینکه اهمیت چهره پوشیده‌اش را تشخیص دهند، در قدرت ادراک خود دچار کندی شدند. می‌بینید، پولس شواهدی از این بی‌حسی معنوی را در این واقعیت می‌یابد که تا زمانی که او زندگی می‌کرد، زمانی که عهد عتیق در کنیسه خوانده می‌شد، گوش کنید، در زمان پولس، زمانی که عهد عتیق در کنیسه خوانده می‌شد یا تورات مطالعه می‌شد، توانایی یهودیان برای تشخیص ناپایداری، گذرا بودن نظم موسی مختل شده بود. آنها هنوز آن را تشخیص نمی‌دادند.

حجابی قلب آنها را پوشانده بود، مشابه حجابی که چهره موسی را پوشانده بود. پولس می‌توانست آن را همان حجاب بنامد. چرا؟ در هر دو مورد، حجاب مانع از رؤیا می‌شد.

حجاب شما مانع از یک رؤیا شد، چه فیزیکی و چه روحانی، یا شاید به این دلیل که با حجاب جهل در مورد ماهیت گذرای تدبیر موسی یکسان بود. این حجاب در مورد یهودی بی‌ایمان همچنان برجیده ماند، زیرا تنها با آمدن او به مسیح، حجاب کنار رفت. و بگذارید به شما بگویم، نه فقط یهودی بی‌ایمان، امروزه بسیاری از مردم هنوز در ذهن خود حجاب دارند.

شما درباره مسیح صحبت می‌کنید، برای آنها منطقی نیست. خروج ۳۴ ۳۴، وقتی آن را در ترجمه سپتواجینت می‌خوانید، می‌گوید هر وقت موسی به حضور خداوند می‌رفت تا با او صحبت کند، این همان چیزی است که در آیه ۱۶ می‌بینید: او عادت داشت نقاب را بردارد تا زمانی که بیرون می‌رفت. این خروج ۳۴ در ترجمه سپتواجینت است ۳۴.

هر زمان که موسی به حضور خداوند می‌رفت. حال، ترجمه هفتادگانی (سپتواجینت) نسخه یونانی عهد عتیق است. ما به آن استناد می‌کنیم زیرا به آنچه موسی برای توضیح آن نقل قول کرده است، و آنچه پولس برای توضیح آن نقل قول کرده است، نگاه می‌کنیم.

او عادت داشت تا زمانی که بیرون می‌رفت، نقاب را از چهره‌اش بردارد. جالب است که فقط سه کلمه یونانی همانطور که پولس در اینجا به این آیه اشاره می‌کند، ثابت مانده‌اند و زمان افعال را تغییر می‌دهد. فاعل فعل در اینجا در آیه ۱۶ بیان نشده است، اما وقتی کسی به سوی خداوند روی می‌آورد، نقاب برداشته می‌شود.

فاعل فعل «می‌چرخد» در واقع بیان نشده است. ممکن است قلب یک یهودی از آیه ۱۵ باشد، ممکن است یهودی باشد، ممکن است اسرائیل باشد، ممکن است یک شخص باشد، ممکن است یک غیریهودی باشد یهودی یا غیریهودی.

من فکر می‌کنم گزینه آخر ارجحیت دارد، اما در متن پولس، پولس به یهودی فکر می‌کند، اما ترجیح داده می‌شود که وقتی کسی به خداوند روی می‌آورد، چه یهودی و چه غیریهودی، حجاب برداشته می‌شود. بنابراین امروز، وقتی کسی به خداوند روی می‌آورد، حجاب برداشته می‌شود. پولس در آیه ۱۶ چه می‌کند؟ او آنچه را که قبلاً در آیه ۱۴ گفته بود، دوباره بیان و تقویت می‌کند.

این همان کاری است که او در آیه ۱۶ انجام می‌دهد، که تنها در مسیح حجاب کنار می‌رود. وقتی شخصی به خداوند روی می‌آورد و خداوند را در خود می‌یابد، پایان تحقق خداوند، خداوند اکنون حجاب را به طور کامل از قلب برمی‌دارد. دیگر درک معنوی فرد کسل‌کننده نیست.

فرد به این تشخیص می‌رسد که این زمان فیض، فیض خدا، اکنون جایگزین شریعت شده است. به همین دلیل است که پولس در دوم قرن‌تایان فصل ۵ آیه ۱۷ می‌گوید اگر کسی در مسیح باشد، خلقت تازه‌ای است. خلقت تازه و متن می‌گوید که چیزهای کهنه از بین رفته‌اند؛ چیزهای تازه آمده‌اند.

سپس به آیه ۱۷ می‌روید. ما به آیه ۱۷ می‌رویم. خارج از متن، این آیه ممکن است نشان دهد که پولس مسیح قیام کرده را با روح یکی می‌داند.

این آیه بحث‌ها و مناظرات زیادی را برانگیخته است. حال، خداوند روح است، و هر جا که روح خداوند باشد، آزادی هم هست. حال، قبل از اینکه به توضیح پردازم، اجازه دهید بگویم که گاهی اوقات ما از این استفاده می‌کنیم: هر جا که روح خداوند باشد، آزادی هم هست. من آن را به عنوان آزادی برای پرستش

آزادی برای آواز خواندن، آزادی برای دست زدن نقل قول می‌کنم، اما لطفاً منظور مرا بفهمید. این چیزی نیست که پولس در آن متن می‌گوید.

نمی‌گویم که نباید دست بزنید یا هر کاری که دلتان می‌خواهد انجام دهید، اما منظور ما این است که آن آیه برای این منظور در نظر گرفته نشده است. پولس در مورد عهد جدید، عهد عتیق، روح و شریعت صحبت می‌کند و این همان چیزی است که با هم مقایسه می‌شود. بنابراین، این آزادی فریاد زدن، آزادی آواز خواندن، آزادی رقصیدن نیست.

البته، شما آزادی هر کاری که می‌خواهید انجام دهید. من صرفاً می‌گویم که در چارچوب دوم قرنیتان، فصل آیه ۱۷، این پاسخ نیست، این معنای آن متن، آنطور که ما نقل قول می‌کنیم و آنطور که از آن استفاده، ۳ می‌کنیم، نیست. اما با این حال، دوباره می‌گویم، آزادانه برقصید، آزادانه هر کاری که می‌خواهید انجام دهید.

بنابراین، خارج از متن، منظورم این است که پولس چه می‌گوید؟ حال، خداوند روح است، و هر جا که روح، خداوند باشد، آزادی وجود دارد. سوال این است که منظور او از خداوند در اینجا کیست؟ خارج از متن این آیات ممکن است نشان دهد که پولس مسیح قیام کرده را با روح یکی می‌داند. برخی از محققان این دیدگاه را دارند.

اما آیه ۱۷ آیه ۱۶ را توضیح می‌دهد که وقتی کسی به سوی خداوند روی می‌آورد، حجاب برداشته می‌شود. خداوندی که در نقل قول از خروج فصل ۳۴ آیه ۳۴ به آن اشاره شده است، کسی نیست جز روح. حیات بخش خدای زنده. بنابراین، این تأکید بر روح است، نه بر مسیح.

این عملکرد روح را توصیف می‌کند، نه هویت او را. این موضوع مربوط به هویت نیست. می‌بینید، این یک دیدگاه است.

دیدگاه دیگری، بین مسیح و روح، یک هم‌ارزی کارکردی قائل است. در آیه ۱۴، این مسیح است که حجاب را کنار می‌زند. این مسیح است که حجاب را کنار می‌زند.

در آیه ۱۶، منظور روح است. و باز هم، برخی معتقدند که هرکول یا مسیح، به عنوان یک روح حیات بخش، شناخته می‌شود. نکته پولس در آیه ۱۷ ب این است که اگرچه روح، خداوند است و حق اعمال اقتدار دارد، اما حضور او رهایی می‌آورد، نه اسارت.

او نه تنها حجاب را برمی‌دارد، بلکه فرد را از اسارت گناه، اسارت مرگ و اسارت شریعت نیز آزاد می‌کند تا وسیله‌ای برای کسب پارسایی باشد. این همان آزادی است که در آنجا درباره آن صحبت شده است. اینکه آزادی وجود دارد.

هر جا که روح خداوند باشد، آزادی هم هست. آزادی از چه؟ آزادی از بند گناه. بند گناه.

آزادی از مرگ. آزادی در برابر شریعت به عنوان وسیله‌ای برای کسب پارسایی. بنابراین، وقتی او می‌گوید هر جا که روح خداوند باشد، آزادی آنجاست، او درباره آزادی صحبت می‌کند، نه فقط برای گناه کردن، بلکه آزادی از گناه.

او گفت، سپس به آیه ۱۸ می‌رسیم، و همه ما با چهره‌های بی‌نقاب، جلال خداوند را می‌بینیم، گویی در آینه‌ای منعکس می‌شویم، و از یک درجه جلال به درجه دیگر به همان تصویر تبدیل می‌شویم. زیرا این از

جانب خداوند، روح القدس، می آید. در آیات ۴ تا ۶، پولس پیش از این در درجه اول از خدمت رسولی خود صحبت کرده است.

حال، همانطور که او در آیه ۱۸ به نتیجه گیری در مورد برتری عهد جدید می رسد، در مقابل پیشینه تفسیرش از خروج فصل ۳۴، به تجربه مسیحی به طور کلی اشاره می کند. آیات ۴ تا ۶ در مورد خدمت او بود، اما آیه فراتر از تجربه خودش و مسیحیان به طور کلی می رود. تحت عهد جدید، نه یک مرد به تنهایی، یا نه یک ۱۸ زن به تنهایی، بلکه همه مسیحیان اکنون جلال خداوند را می بینند و منعکس می کنند.

و علاوه بر این، برخلاف یهودیانی که هنوز شریعت را با قلب های پوشیده می خوانند، مسیحیان امروز، با چهره های بی پوشش، در آینه انجیل، جلال خدا را که در مسیح است، می بینند. باز هم، جلال آشکار نمی شود، نه به صورت بیرونی در چهره، بلکه به صورت درونی در شخصیت ما نمایان می شود، که زندگی ما جلال خدا را منعکس می کند. رفتار ما، خلق و خوی ما، جلال خدا آشکار می شود.

جلالی که تحت عهد جدید تجربه می شود، نه تنها شدت، درخشش، زیبایی، درخشندگی یا تألؤ خود را از دست نمی دهد، بلکه به تدریج افزایش می یابد تا اینکه مسیح سرانجام، تا جایی که مسیحی، بلکه، سرانجام بدنی باشکوه مانند بدن مسیح قیام کرده به دست می آورد. اما در این میان، خدا ما را دگرگون می کند. و ما در مورد تقدس صحبت می کنیم؛ بله، ما در مورد تقدس به عنوان امری آنی صحبت می کنیم، اما بله، تقدس تدریجی است.

این هم آنی و هم پیش رونده است. ماندگار است. خدا ما را مقدس می کند، و او ما را مقدس نگه می دارد، به تبدیل ما ادامه می دهد، و به تغییر زندگی ما ادامه می دهد. و به یاد داشته باشید، مانند خیمه که در آن نباید صدایی باشد، سنگ ها باید در جای خود ریخته شوند؛ خدا ما را به معبدی مقدس تبدیل می کند، ما را آماده می کند تا زمانی که به بهشت برسیم، هیچ کاری برای انجام دادن وجود نداشته باشد.

ما فقط در این مکان جا افتاده ایم. بنابراین، جلال خدا در زندگی ما آشکار می شود و ما در حال تغییر هستیم و بنابراین، پولس با اشاره به اینکه تغییر تدریجی شخصیت مسیحی، کار خداوند است که روح است، سخنان خود را به پایان می رساند.

پس از گرویدن به روح، از طریق روح رهایی حاصل می شود، و از طریق روح دگرگونی حاصل می شود. از طریق روح آزادی حاصل می شود، و از طریق روح دگرگونی حاصل می شود. خیلی با دقت به این موضوع فکر کنید. ما مؤمن نامیده می شویم.

خدا ما را به سوی خود فراخوانده است، و اگر ادعا می کنیم که خادم هستیم، باید بدانیم که خدمت اصیل در واقع به چه معناست، و هنگام انجام این کار باید از خود سؤالات خاصی پرسیم. آیا من جلال خدا را منعکس می کنم؟ به طور خلاصه، به یاد داشته باشید، اعتبارنامه ای که ما نیاز داریم، اعتبارنامه روح القدس است. جالب است زیرا وقتی پولس در آیه اول در مورد ستایش صحبت می کند، این فقط برای خلاصه کردن است که به معنی دو کلمه است، دو کلمه به هم پیوسته است commendare است، کلمه لاتین.

به معنای متعهد شدن با هم، متعهد کردن چیزی، که به معنای متعهد شدن یا سپردن است. آیا به توصیه نامه نیاز داریم؟ پولس از قرن تیان پرسید که آیا به توصیه نامه نیاز دارد. و ما امروز باید از خود پرسیم، آیا من تقدیرنامه ای را که نیاز دارم، یعنی اعتبارنامه ای که توسط روح القدس به من داده شده است دارم؟ به یاد داشته باشید، مهم است که ما مدرک تحصیلی داشته باشیم، و مهم است که درس بخوانیم زیرا خدا به واعظان نادان نیازی ندارد، شکی در این مورد نیست.

زیرا اگر چیزی را که نمی‌دانیم موعظه کنیم، برای مسیحیت مشکل ایجاد می‌کنیم و واعظان نادان زیادی در سراسر جهان داریم که نمی‌دانند در مورد چه چیزی صحبت می‌کنند. بنابراین، خدا را شکر که حداقل می‌توانیم کلام را مطالعه کنیم. اما من می‌گویم که روح در زندگی ما بسیار مهم است، زیرا خود را به او تسلیم می‌کنیم زیرا ما خادمان عهد جدیدی هستیم که بر اساس وعده‌های بهتر بنا شده است.

،این دکتر آیو آدوویا در حال تدریس در مورد رساله دوم قرن‌تین است. این جلسه ۴، رساله دوم قرن‌تین ۳، خدمتی در عهد جدید است.